امروز باسعدى شيراز

خنسک نیکبختسی کسه در آب مسرد

چو مردی چه ســـیراب و چه خشـــک لب

که تا جــان شــيرينش در ســر کنم؟





جامعه ما درد رامتوجه نمي شود؟!



نگاه به جامعــه پیرامونی، صرفنظــر از این که منرمند باشــیم یافــردی از درون هر صنف دیگر، نگاهی همهجانبه والبته مثبت راطلب می کند. برای چومنی که در وادی پیری قدم می زنم و سنم به ۷۵ چومی ند در واردی پیری ندم می ردم و سم به ندا رسیده است به عطور قطع، نوع خاصی از رفتار تجویز می شود و بر خوردی متفاوت با دیگر سنین (جوانان» میاسالان و…) با محیط پیرامونیم دارم، زمانه اکنون طوری بر ما محاط شده که ما را مجبور می کند با هنر مندان به گونهای باشـــیم که مختص خودشان مسرستان به خود ک. است. با کسبه، با اهالی داخل منزل و افراد بیرون از منزل، با عموم مردم هر كدام گونهاي از برخورد ر انتخاب می کنیم (و من هم این گونه هستم) اما در میان تمام این گوناگونی برخورد با افرادی که طی وز و در جامعه با آنها برخور د می کنیم، حداقل من اینطور هســـتم که میخواهم برداشت مثبتی از محیط پیرامون وجامعهای که در آن زندگی می کنم ا انتقال دهم. این را بدون اغــراق می گویم با افراد

بدی با من داشته باشسند) به نوعی مثبت و سازنده رفتار می کنم و سعیام این است تا آنها را به سوی حس مثبتی که از دنیسای اطراف و جامعه ای که در مس سبعی - رای کار آن زندگی می کنم، سوق دهچ، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که همه به مراحتیاج داریم. اگر تفاهم وجود نداشته باشد. هیچ چیزی جای خود قرار نمی گیسرد و ارتباطات، ارتباطهای بسیار از هم گسیخته و بی سرانجامی ربه تعمل بسیر از مم مسیحه و بی سربه می خواهد بود. داشتن حس مثبت به جامعه پیرامونی به این معنانیست که ایرادات جامعه از انبینیم و چشم،ســــته از جامعهای که در آن زندگی می کنیم، شناخت غلطی به دست دهیم، بلکه به این معناست که با شــناخت کامل، تمــام ابــ ادات و... حامعه را یم و بعد رفتاری مثبت با اجرای آن داشته . باشیم. واقعیت این اسـت که ما با جامعهای منفی سروکار داریم، منفی از ابعاد مختلف اگر موضوعات کاری را درنظر بگیریم، جامعه مثبتی نداریم. کار کردهای اجتماعی راهم درنظر بگیریم، بازهمین

مختلفی که برخورد می کنم (حتی اگر آنها برخورد

آدمها سر جای خودشان قرار نگرفتهاند. جامعه ما، جامعه بیماری است. در درا احساس نمی کند وضع سكاري انگاه كنيد، كودكان كنار خيايان ا. كودكان ''' کار یا کودکانی که تکدیگری می کنند. فَقر دُر این حرب تودینی که تعنی کری سی کنند کو در رست داشته جامعه بیدادمی کنداما هر کس پولی در دست داشته جامعه بیندادی ندانماهر دس پوری در دست داشته باشد بدون توجه به این میزان از در در برجی را کنار درجامعهای بیمار این طور است کسه اگر پولی در دست باشد ایندا، پول را در جایی قرار می دهی که دوچندان از آن به دست آید شاید هم جامعه بیمار وضع وجود دارد و برآیند مثبتی از آن وجود ندارد. از وادی هنر مثال می زنم که در آن موی سسپید کردم.

ر سرار کا در این وادی گذاشته ام، می دادم کی قرار است از من حمایت شود و کجا قرار است از من پشتیبانی کند؟ چه نهادی می خواهد زیر پروبال پستینها عدم چهدی پروس من را بگیرد و به احتیاجات و نیازهای من رسیدگی کند این که چه کمی و کاســتیای دارم؟ من اینها را نمیینم اینهادر جامعهمن کماست.در زمینهای که نمی پیمهاریهادر جامعه من نیراست در رمیندای نه من کار می کنه، کسانی در مسند امور قرار دارند که از کار سردرنمی آورند و باآن غریبه هستند. در زمینه ورزش هم آن طور که به گوش می رست دهمین طور است. در واقع در بسیاری از زمینه هااین طور است و

با این حال معتقدم باید تمام ایـــرادات جامعه را بشناسیم. باید کهوکاستی هایش را بدانیم و بعد در برخورد با دیگران سعی کنیم حس مثبتی از جامعه به هم منتقل کنیم. انتقال این حس مثبت تا زمانی که کم و کاستی هادرست شناخته نشود،امکان پذیر ـتُ. جامعه همُ بايد من هنرمند، كاســبكار، راننده و... رابشناسد. باید کمی ها و کاستی های مارا ر. باید بامن کنار بیاید و مشکلات من را حل کند تاار تباط متقابل و مثبت ما ادامه یابد.

که اگـــر نخواهم اغراق کنـــم، فرهنگ فعالیت داوطلبانه و کمک به همنوعان در طیف کوچکی از

افراد باقی مانده است. نمی خواهم منکر پیشرفت و تعالی چنین رفتارهایی شوم اما چیزی که برای همه

ما روشن است، این است که همه این اتفاقات روی هم، به اندازهای نیست که رضایت خاطری را به دنبال

سهره ساری شد هنوز بسیاری از مردم ما به حد کافی به چنین نگرشی نرسیدهاند که بهطور وسیع و گسترده وارد چنین فعالیتهایی بشوند و کمک به همنوع را در درجه اول اهمیت برای شکل گیری یک جامعه

فُلاقَى قرار دهند. همه چيز بايد دست در دست هم

دهد تا چنین رابطهای شکل داده شود. برنامه ریزی در سطوح مختلف جامعه، شکل گیری انجمن ها و نشكلهاى خيريه ومردمنهاد، تبليغ و تشويق مردم

برای کمک به همنوعان افراد مستمند، فرهنگ اهدای عضو و به طور کل به منظور رسیدن به چنین

نگرشی، همگی باید در کنار یکدیگر و در عرض هم قرار بگیرند تا به ســوی چنین جامعه اخلاقی گام

برای داشتن دیدی دقیق تر و برداشتی مناسب تر از

.ری محیط اطراف. باید نیــــاز را در جامعه پیرامونی مان ببینیم،باید کودکان کارراببینیم،بایدفقیری کهفقیر

ونياز منداست، نهمتكدي حرفهاي استنبج ابنهانياز

باید به جامعه اطراف مان اعتماد کنیم. اعتمادی که

بهنظرمى رسدتا حدودزيادى ازدست رفتهاست

. ﻪ آموزش دارد، البته بیشتر از هما

از سر دلتنگی

اين طور نباشدواين منطق سرمايه است كه اين وضع

رپیس می ورد. چندی پیش خبری شنیدم که در آن گفته شده بود برجی ۱۲۰طبقهای در تهران ســاخته خواهد ر اردی این این برج متعلق به چه کسی است اما باید فکری به حال آن کنند. باید پی این برج را درست بگذارند. باید زیر ســاختهایش را درس ر بسازند.اگر پی هر چیزی که درست می کنیم مطابق استاندار دهایش ساخته نشود، آن برج یا ساختمان، از درون خواهد پائسید. جامعه هم مثل همین برج است باید در همه سطوح زیربناهای آن را درست

برش

اگر امپرسیونیستهادندانپزشک بودند

وودی آلن |

راسستى، زندگى ھىچوقس درست تا کند؟ نومیدی مرااز پادر آوردها سرم دنگ دنگ صدامی کنداخانم سل شوویمر از من ادعای خسارت کرده است؛ چون که روکش دندانهایشراآن طور که دلهمی خواست ساختم، نه آنطوری که به دهان مضحکش بخورد! درست است! من نمی توانم مثل یک کاسب کار معمولی طبق سفارش کار کنم! من به این نتیجه رسیدم که روکش دندان های او باید بزرگ و موجدار باشد؛ است، چون توی دهانش جفت و جور نمی شود . او خیلی بورژوا و ابله است و دلم می خواهد خرد و خمیرش کنه اسعی کردم دندان عاریه اش را به

بیرون می زند. بااین همه به نظر من زیباست. اوادعا می کند که نمی تواند چیزی بجود! به من چه که او می تواند بجودیانمی تواندا تئوه من دیگر نمی توانم مدت زیادی با این وضع ادامه دهها از سزان پرسیدم که حاضر است با هم شریکی یک کارگاه بگیریم؟امااوپیروسستاستونمی تواندابزارش را در دست نگه دارد و باید ابزار را به مچش بست، كهبااين وضعيت دقتش رااز دست مى دهد وقتى هم که دستش توی دهان مریض می رود، بیشتر دندانها را می شکند تا آن که درستشان کند. چه

. برشی از «اگر امپرسیون دندان پزشک بودند»



تاثيروتاثرجامعهوهنر



ناثیر جامعه بر هنر، موضوعی دووجهی است.اگر قرار باشد به یک سوال با این محتوا که جامعه چه تاثیری . بر کار هنری دارد، پاسخ دهیم، می توان گفت هم تأثیر داردوهم ندارد. خودمن همیشه از جمله افرادی هستم که درباره تأثیر متقابل هنر و جامعه حرف های بسیاری در کلاسِهای درس زدهام اما واقعیت این اس عرمه تأثیر دارد اما این تأثیر به گونه ای است که باید آن راانتخاب کرد. هنرمند باید به گونه ای در از تباط با جامعه قرار گیرد که بداند کجاباید تأثیر جامعه راقبول كندوبپذيردو كجانبايدبه آن توجه كند.

این نکته واضح و مبرهن است که بهترین شیوه برای انتقال رویدادهای گذشته و حال به نسلهای برای انتشان روینده نادست. و حارب به سرسی جدید، استفاده از هنر است. همان طور که از طریق نویسندگی و نقاشی می توان رویدادهای گذشته را برای نسل های جدید، باقی نگاه داشت. در این حالت .. دەونقاش از اھمیت بالایی برخوردار مشاهدات نویسنده و نعنس ر اسمیت به یی بر حورت خواهد بود زیرا او باید تمام مشاهدات خود را بهصور تی عینی به مُخاطبان خودمنتقل کند. یعنی اوباید جامعه پیرامونی خود را به خوبی ببیند و تاثیرات لحظهای هم که از جامعه می پذیرد بر نوع انتقال مفهوم کمک می کند. علاوه بر این، خلاقیت، غریزهای انسانی است _ که درنهایت بروز خواهد کرد. قالبٌها و زیر شاخههای

ادامه از صفحه ۹ | تنها در دیدگاه سوم اس

این فربگیّ به وجــود میّ آیدٌ. یعنی تجربُه تک تک انسانها جمع میشود که در جامعه به آن می گوییم

عقل جمعی و ثمره عقل جمعی می شود حیات اجتماعی، بنابراین در دیدگاه سوم ما تن به گفت و گو می دهیم. در واقع تسن می دهیم به این که با دیگران

هماوردی داشته باشیم؛ فهم متقابل. اگر انسان هابتوانند در پر تو منطق مکالمه بکوشند

به فهم یکدیگر برسند، بسیاری از اختلافات حل

میشود. آسیبُهاُ عمدتا ناشـــی از ُ نزاعهایی است



بىمناسبت

اما هنر هم بر جامعه تاثیر گذار است. هنر به جامعه تازگی می بخشد و درهای جدیدی برای نگاه کردن به اُشیا باز می کند. پیش از این، میزان کیفیت هنری بهعنوان زیبایسی در نظر گرفته می شد اما درحال حاضر تعاریف زیبایی در حال گسترش هستند و دیگر امکان تعریف هنر از لحاظ زیبایی وجود ندارد. نقل و شرح رویدادها و تجربه ها، هدف اولیه هنر است ی ر کی از رہے و هنرمندان قرن هاست که به این کار مشغولند. در عین حال آنچه که از اهمیت برخوردار است، این است که باید یاد بگیریم ارزش تمام این قالبهای مختلف هنری را درک کنیم اگر تشویق و تحسینی وجود نداشته باشد، این قالبهای هنری نیز مثل فن ترسیم حروف،از بین خواهندرفت. در کارزش هنر،امری ضروری است زیرا بیننده این هنرها، آنها را براساس عقایدو چارچوپ دهنی خود درک و مشاهده می کند. به این معنی که یک قطعه هنری ممکن است برای بینندگان مختلف، معانی متفاوتی داشته باشد. در ک ... منظور همه هنرمندان و دریافت پیام همه آثار هنری برای همهبینندگان امکان پذیر نیست،از این روانتخاب یک هنر مشخص، به شما کمک می کند که به جزییات آن بپردازید و مفاهیم مربوط به آن هنر را استخراج و درک کنید در سبت آن اسبت که یک هنی ا در نظر بگُيريد و سعى كنيد علل گرايش خود به أَنُ هُنرراً



این طرف در شرق به وجود آمده را می گویم. دنیایی ت با لااقا . که با دنیای طرف غربیاش متفاوت ه این گونه بهنظر می رسد. سال های دور این دو دنیا فاوتهای اساسے یا هم داشت اما امروز به مدد ی ی سبب ر بین سیب، ماهیت همه چیز دستخوش تغییر و دگرگونی و روند تکاملی قرار گرفته است. تمام روابط انسانی ۱۰۰۰ نفته و دور نووی و روده نعامتی مرز ترجه است. نمیم روابط انسانی و مولفه های دنیای جدید در کنار هم موجب تشکیل دنیایی مدرن با ابعاد جدید شده است. در دنیایی که همه چیز درحال پیشرفت و روندی تکاُملی به سوی تعالی نُوع بُشر است، روابطُ احساسی میان انسانها با تمام مصادیق آن از جمله ی دی مدردی و کمک به همنوعان نیز کم و احساس همدردی و کمک به همنوعان نیز کم و بیش دستمایه چنین تغییراتی شده است اما نه به اندازه سایر ابعاد جهان معاصر؛ نه به اندازه پیشرفتی که در علم و فناوری اتفاق افتاده است و این اتفاق خوشایندی نیست، چراکههمه این اتفاقات بامقیاس کمتری در کشور ما درحال پیشروی است؛ به نوعی



بايدبه جامعه اعتماد كرد

دنیای ما دنیای خاص و وِیژهای است. دنیایی که







🔨 دختر ان روستاهای اطر اف سقر با وجود استعدادهای خوبی که دار ند به دلیل فقد ان مدر سه بعد از اتمام مقطع ابتدایی، ناچارند مدر سه ر ا رها کرده و مشغول کار شوند. شاید بهترین هدیه روز دختر بر ای آنها یک

معناي اصيل وفاق وهمدلي

ت. به قول مولوی این نزاعها عمدتا ناشی از اختلاف در فهم، در لفظ و در برداشت است. داستانی از مولوی نقل میشود بر این مضمون که مولوی بر مذهب حنفی بود واستادش شمس مذهب شافعی مدهب حقع بودو استان صحب مدهب شاقعی مدهب حقع بودو استان می مولوی از اگر گزشته که اختیار گرده و سیاری از اگر گزشته که نمی شده مداخل می درستی نشان می دهد که آنها قیم درستی از دین و درستی نشان می دهد که آنها قیم درستی از دین و وقایه اندازند بازایی تقاسیر مامی توانیم و مالی و از مالی و از مالی و این تقاسیر مامی توانیم مامی توانیم کم این را در معلح گستردهای در دنیایی اسلام مطرح کنیم که این وقای می تواند ناشی از گفت و گوی موثر

پيدا كنيد. در همه هنرها، زيبايي هميشه عامل جذب

و جدی باشد تا انسانها به درک متقابل رو بیاور، در مطالعاتمان در حوزه پدیدههای اجتماعی شکل بدهیم که ازجمله آنها وفاق است. نگاه خردگرایانه، زندگیها برگرفته از اقتضائات فردی و تجربه زیسته

سانها می توانند به رغم این که دیدگاههای متکثر ر کی در در در ۱۰ می در دارند به گفت و گویی که از فههم متقابل بر می آید، دست بزنند در رویکرد دوم ما باید چرخش معرفتی نگاه مقدماتی و اولیه اسبت. نگاه بنیادی ، نگاه دوم است که نگاهی کلان گرایانه به وفاق اجتماعی دارد. جامعه نمی تواند از اختلاف دیدگاهها مبرا باشـــد.

ند،بنابراینبایدنگاه درستی به جامعه

مرونوی هستند.بتبررین پیدنده در سی بهجمعه و به انسان ها داشته باشیه راه حل ازمیان بردن آسیبهااین نیست که ما بگوییم انسان ها باید دیدگاههایشان را کنار بگذارند. راه حل این است که ما از نزاع های درون جامعه را یک منظر در ىطقى نگاه كنيم. برخىي از اين نزاعها، نزاعهاى درستی هستند چون برخاسته از تجربیات هر فردند اما در عین حال می شبود دیدگاه خاص هر کس در زندگی محفوظ بماند ولی تلاش کند با دیگران وفاق

فتـــد تشــنه در آبــدان عميـــق که دانـــد کـــه ســـيراب ميـــرد غريق وگـــر گويدت جـــان بـــده، گـــو بگير اگــر عاشــقی دامــن او بگیــر

(O) A یکخبر|یکنگاه

حمیدرضا کفاش در نشست بـــا دانش آموزان قرار گاههای دانش آموزی سراسر کشـــور در اردوی آموزشی_تشکیلاتی دختران آفتاب دراردبیل اظهار کرد:مادر گام;خست محور آموزشر امورد توجه قرار دادیم تابرای مربیان تربیتی باهدف توانمندسازی آنها و آشنایی بیشتر با فضای مجازی بتوانیم حرکتهای تاثیر گذاری را به انجامبر سانیم

یکی تشــنه میگفت و جان میســپرد

بـــدو گفـــت نابالغـــی کای عجـــب

بگفتسانسه آخسر دهسان تسر کنسم

ری وی بابیان اینکه محقق شدن ایس امر در ورود فعال دانش آموزان به عرصه های فضای مجازی و اینترنتی نیازمند برنامه های آموزشیی و تقویت ر بر کری کری در کرد فعالیتهای آگاهسازی است، افزود: در این ار تباط اقدام به تاسسیس شسبکه اجتماعی دانش آموزان در کشــور کردیم که از مهرماه این شبکه با عنوان «شبکه شاد» راهاندازی شده و زمینه حضور توانمند دانش آموزان را در حُوزههای مُجازی فراهُم خُواهد کرد. ما سال گذشته کارهای زیربنایی و تخصصی

راهاندازي شبكه اجتماعي دانش آموزي را به همراه توانمندی نیروی انسانی مورد توجه قرار اديم و سعىمان بر اين بوده تا بتوانيم دانش آموزان علاقه مندر اوارد رقابت های علوم قرآنی، معارف و المپیادهای داخلی و خارجی کنیم که قطعا بر این ردی باوریموروددانش آموزان به فضاهای مجازی در قالب راهاندازی سایتها و وبلاگها می تواند تاثیر گذاری خاصی را داشته باشد این مسئول تصریح کرد: قطعا در قالب وبلاگ و سایت هایی که توسط دانش آموزان طراحى مىشودمى توانيم محتواى غنى ارزش هاى دینی و اسلامی را به همراه سبک زندگی اسلامی و دینی در این فضا تبلیغ و ترویج کنیم تا همه بتوانند از این بستر تقویتی استفاده کنند شایداین یکی از راهکارهایی باشد که بتوانیم با فضاهای مجازی مشابه که در حال تخریب فرهنگ غنی ما هستند مقابلے کنیم وامیداست که این امکان جدید حوابگوی نیاز دانش آموزان باشد.

نمىخواهدبامن زورتوىدهانش بچپانم.امامثل چلچراغ صدشعله







